

مقایسه داستان شیر و گاو کليلة و دمنه با شتر و شیر پرهیزگار مرزبان نامه

علی صفی زاده

کارشناس ارشد زبان و ادب فارسی
مدرس دانشگاه آزاد و پیام نور دلفان
و مدیر گروه زبان و ادب فارسی در شبه قاره هند

ضرورت تحقیق و پژوهش

مقاله پیش رو به دلیل اینکه داستان‌های مورد بحث، در کتاب‌های درسی مقطع متوسطه مطرح شده و پیام‌های اصلی و فرعی دو داستان مورد نقد و بررسی دقیق قرار گرفته‌اند و از جوانب گوناگون به موضوع پرداخته شده، برای همکاران و دانش‌آموزان و محققان بسیار مفید است.

چکیده

«کليلة و دمنه» و «مرزبان‌نامه» بدون هیچ گمان و گزافه جزء ارزشمندترین و ماندگارترین کتاب‌های نثر فارسی به‌ویژه در نثر فنی و مصنوع هستند و هر قشری، از محقق ادبی گرفته تا جامعه‌شناس، روان‌شناس و سیاسی‌دان، می‌توانند از این دو کتاب بهره‌مند شوند. مقاله حاضر می‌کوشد حکایت «شیر و گاو» از کليلة و دمنه را با حکایت «شتر و شیر پرهیزگار» از مرزبان‌نامه مقایسه و ارزیابی کند و این قصه را از لحاظ ریخت‌شناسی و اکاوی نماید.

کلیدواژه‌ها: کليلة و دمنه، مرزبان‌نامه، قهرمان، ضد قهرمان، قصه و داستان

مقدمه

اهمیت داستان در زندگی بشر

در تاریخ زندگی بشر داستان و قصه همواره نقش و جایگاه ویژه‌ای داشته و عشق به قصه‌گویی و شنیدن قصه در تمام طول تاریخ با آدمی همراه بوده است.

در قرآن کریم درباره مقام والای داستان، از باب تأثیری که در ارشاد و تربیت و تغییر دادن مردم دارد چنین آمده است: «لقد کان فی قصصهم عبرة لاولی الالباب»؛ همانا در قصه و سرگذشت

آنان برای خردمندان عبرتی نهفته است. (سوره یوسف، آیه ۱۱۱). برای قصه‌گویی و داستان‌پردازی تاریخ مشخص و قطعی نمی‌توان تعیین کرد اما گروهی تصنیف و مکتوب کردن آن را به ایرانیان نسبت داده‌اند.

این ندیم در «الفهرست» می‌گوید: «نخستین کسانی که به تصنیف خرافه‌ها (داستان‌پردازی) پرداختند و کتاب‌ها در این باب نوشتند و در گنجینه‌ها و خزاین نهادند و بعضی از این داستان‌ها را از زبان حیوانات نقل کردند، ایرانیان نخستین بودند و پس از ایشان پادشاهان اشکانی.» در دوره‌های بعد نیز حاکمان و امیران مشوق قصه‌گویی و تصنیف‌کنندگان داستان‌ها و افسانه‌ها بودند و قصه را وسیله‌ای برای سرگرمی و تفریح و آموختن می‌دانستند. «در تاریخ، اسکندر و همای چهر آزاد را از قدیمی‌ترین دوستداران این افسانه‌ها نام برده‌اند.» (نقوی، ۱۳۷۶: ۱۲)

«دلیل وجود این همه حکایت در کتاب‌های آسمانی هم این است که قصه نوعی تعلیم و تربیت غیرمستقیم است. نقش پنددهنده ندارد که موجب دلزدگی شود؛ زیرا انسان از اندرز و وعظ می‌گریزد و به ملامت نصیحت‌گران گوش فرا نمی‌دهد.» (وزین پور، ۱۳۷۴: ۱۸۸)

داستان‌های کليلة و دمنه و مرزبان‌نامه تمثیلی هستند؛ یعنی خواننده علاوه بر معنای ظاهری، معنای باطنی آن‌ها را نیز درک می‌کند.

«تمثیل روایتی است که در آن عناصر و عوامل و اعمال و لغات و گاهی زمینه اثر نه تنها به‌خاطر خود و در معنی خود، بلکه برای اهداف و معانی ثانوی به کار می‌روند.» (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۴۹)

در شیوه داستان‌پردازی بین کليلة و دمنه و مرزبان‌نامه تشابهات زیادی وجود دارد و موضوعی نیز که در برخی از ابواب این دو کتاب به کار رفته، کاملاً نظیر یکدیگر است.

باب «شیر و گاو» و اغوای دمنه در کليلة و دمنه، با باب «شتر



گاو شنید و به مادر شیر خبر داد. مادر شیر، شیر را وادار کرد که انتقام خون گاو را بستاند. در پایان، محکمه‌ای تدارک دیدند و دمنه با شهود و دلایل متقن محکوم و کشته شد.

ب. حکایت شتر و شیر پرهیزگار: (خلاصه مرزبان‌نامه، ۱۳۸۰: ۵۵۹)

شیری پرهیزگار و حلال‌خوار امیر سرزمینی بود. او آنجا را با عدالت و انصاف اداره می‌کرد و حیوانات را از آزار و اذیت و خونریزی باز داشته بود. روزی خرسی از آن سرزمین می‌گذشت، شیر را دید و نزد او رفت و جایگاه و مرتبه‌ای یافت. از سوئی، حیوانات درنده که از گوشت‌خواری منع شده بودند، روزی شتری را تنها دیدند و قصد هلاک او را داشتند که شیر سر رسید و بر آن‌ها نهیب زد. آن‌گاه شتر را به نزدیک خویش فرا خواند و او را از خواص خود قرار داد. خرس به شتر حسد ورزید و به سخن‌چینی و بدگویی از او نزد شیر و از شیر نزد او پرداخت. قصد او این بود که شیر را به کشتن شتر وادارد، اما با وساطت زاغ و موش و روباه مکر خرس برملا شد و او به مجازات رسید. شتر هم که راه راستی و توکل در پیش گرفته بود، نزد شیر از جایگاه بهتری برخوردار شد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، چارچوب و زیرساخت هر دو حکایت یکی است. در هر دو حکایت سخن از خیانت خادم و زیردست مخدوم و بالادست و سخن‌چینی و خیانت و حسادت است. در حکایت اول دمنه و در حکایت دوم خرس، دوست ندارد پیشرفت و ترقی کسی دیگر غیر از خودش را ببیند. این دو حکایت از طولانی‌ترین

و شیر پرهیزگار» و اغوای خرس در مرزبان‌نامه، شباهت زیادی دارد که در زیر به تحلیل آن‌ها از زوایای گوناگون می‌پردازیم.

الف. حکایت شیر و گاو: (خلاصه داستان، کلیله و دمنه، ۱۳۷۱: ۵۹)

بازرگانی فرزندان را به جهاد و کوشش در کسب معاش توصیه کرد. یکی از فرزندان برای تجارت قصد سفر کرد و بساوی دو گاو بود. گاوها در بین راه به لجنزاری فرو رفتند. یکی از آن‌ها را بیرون آوردند اما دیگری توان راه رفتن نداشت و بازرگان او را رها کرد.

گاو به مرغزاری خوش و خرم رفت و بعد از چندی فربه و تنومند و قوی شد و از سر خوشی و مستی نعره برآورد. آن مرغزار در سلطه شیر بود که بر دیگر حیوانات حکمرانی می‌کرد. شیر گاو را ندیده بود و گاو را نمی‌شناخت. در نتیجه از صدای گاو وحشت کرده بود اما هیچ نمی‌گفت. دو شغال در دربار او بودند که یکی کلیله و دیگری دمنه نام داشت. دمنه، که قصد داشت به شیر نزدیکی جوید، از این ترس و وحشت شیر برای نزدیک شدن به او استفاده کرد. علت ترس شیر را پرسید و بعد گاو را نزدیک او آورد. شیر از گاو خوشش آمد و او را بسیار به خودش نزدیک کرد. این بار دمنه حسد ورزید و جای خود را از سوئی او اشغال شده دید. نقشه‌ای برای هلاکت گاو کشید و با نمایی و فتنه‌انگیزی شیر را وادار کرد که او را بکشد و شیر گاو را کشت. در تمام این مراحل کلیله همراه دمنه، اما مخالف او بود. شیر از کشتن گاو پشیمان بود و دمنه سعی داشت او را از این حالت بیرون آورد. بالاخره شبی پلنگ گفت‌وگوی کلیله و دمنه را در مورد کشتن

حکایت‌های دو کتاب هستند که حادثه و درگیری در آن‌ها بسیار قوی است.

در هر دو حکایت، پیام مشترک است و آن زیان سخن‌چینی و جاه‌طلبی، زیان ساده‌لوحی و احمقی را خوردن، و حرف و سخن دیگران را پذیرفتن، و فایده‌پرهیزی‌گری و پاکی و نیک‌اندیشی است.

در این دو قسمت از آنچه دسایس «دمنه» و «خرس» در هر دو کتاب آغاز می‌شود و نیز خاتمه‌باب، هم از نظر سبک نثر و هم از جهت مضمون و هم از حیث کیفیت داستان‌نویسی، در هر دو کتاب قابل مقایسه است و بسیاری از مضامین و حتی جملات در هر دو حکایت مشترک است. با این تفاوت که در کلیله و دمنه موضوع داستان در باب نخست، به قتل «گاو» و در باب دوم به قصاص «دمنه» می‌انجامد، لیکن در مرزبان‌نامه «شیر» به اغوای خرس فریفته نمی‌شود و زاغ را به تجسس و کشف وا می‌دارد. در مرزبان‌نامه، موش مفاوضات خرس و شتر را می‌شنود و از دسیسه خرس آگاه می‌شود و در کلیله و دمنه، پلنگ مکالمات دمنه و کلیله را استماع و سپس آن را آشکار می‌کند. مناظره پلنگ با مادر شیر در لزوم کتمان سر نیز در کلیله و دمنه درست با مباحثه موش با روباه، که زندانبان خرس است، در مرزبان‌نامه مشابه است. (خطیبی، ۱۳۶۶: ۹۰)

در کلیله و دمنه، دمنه می‌کوشد شیر را متقاعد کند تا عهد و پیمان خود را با «گاو» بشکند و نادیده بگیرد و در این راه هم موفق می‌شود. در مرزبان‌نامه خرس دقیقاً همین نقشه را در سر می‌پروراند اما شیر به گفتار او فریفته نمی‌شود و خرس در بر هم زدن دوستی شیر و شتر موفق نمی‌شود و در این راه جانش را نیز از دست می‌دهد؛ همان‌طور که دمنه هم سزای کارش را می‌بیند و کشته می‌شود. نکته دیگری که در هر دو داستان وجود دارد این است که اشخاص داستان شهادت و شنیده‌های خود را جز در حضور چند شاهد دیگر بیان نمی‌کنند تا مبادا به دروغ‌گویی متهم شوند و حرفشان هم خریداری نداشته باشد. در این دو حکایت مهم در هر دو کتاب، اوضاع و احوال درباریان و نقش پادشاه در بهتر یا بدتر کردن امور به تصویر کشیده شده است.

این دو باب از باب‌های بسیار مهم این دو کتاب‌اند؛ به‌طوری که در کلیله و دمنه، اسم

کتاب از روی این باب انتخاب شده است. این باب طولانی‌ترین باب کتاب کلیله و دمنه نیز هست. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این دو کتاب، داستان در داستان بودن آن‌هاست؛ به‌گونه‌ای که در زیر عنوان شده است:

در حکایت «شیر و گاو» در خلال حکایت اصلی تعداد پانزده حکایت فرعی نیز گنجانده شده است تا هم برای خوانندگان تنبه و بیداری باشد و هم مطلب بهتر پرورنده شود و این خود اهمیت این باب را نشان می‌دهد. در مرزبان‌نامه در خلال حکایت «شتر و شیر پرهیزگار» شش حکایت فرعی کوچک و بزرگ آورده شده که نشان‌دهنده اهمیت است که نویسنده برای آن قائل بوده است. در کلیله و دمنه گاو، که ضد قهرمان است، و دمنه، که قهرمان حيله‌گری است، هر دو کشته می‌شوند و این آشفتگی دربار و دستگاه شیر را نشان می‌دهد اما در مرزبان‌نامه شتر، که قهرمان است، با تدبیر و درست‌اندیشی شیر زنده می‌ماند و خرس، که ضد قهرمان است، کشته می‌شود. نکات مشترک دیگر این دو حکایت به شرح زیرند.

به متهم فرصت داده می‌شود تا تمام سخنانش را بگوید؛ هرچند که همه می‌دانند مقصر است و دروغ می‌گوید. خبری از خشونت در میان نیست؛ یعنی تا زمانی که جرم او ثابت نشده و یا خودش اقرار نکرده است، اذیت و آزار نمی‌شود. سلطان (شیر) با دیگران فرقی ندارد و مانند دیگران با تواضع حرف‌ها را می‌شنود. تصمیم‌گیری عجولانه و خودسرانه در کار نیست. باید عدالت اجرا شود و همه مطیع امر قاضی هستند و بدون هیچ‌گونه مدارا و چشم‌داشتی حکم اجرا و عملی می‌شود.

«در حکایت شیر و گاو می‌توان دمنه را استعاره از روزگار مکار و گاو را استعاره از انسان غافل گرفت» (غلامرضایی، ۱۳۸۱: ۲۱۱) زیرا نمی‌داند روزگار چه بلاهایی بر سر او می‌آورد. علاوه بر آنچه گفته شد، داستان شیر و گاو دارای درس‌های ویژه‌ای است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود: داستان قیام علیه نظام موجود، داستان جسارت و بی‌باکی، داستان مظلومیت ساده‌لوحان و ضعیفان، داستان حيله‌گری و خیانت‌کاری، داستان فریب و دروغ، داستان فرو ریختن ابهت و قدرت و رسوایی شاهان و ...

دنباله مطلب در وبگاه نشر به

**در شیوه‌
داستان‌پردازی
بین کلیله و دمنه
و مرزبان‌نامه
تشابهات زیادی
وجود دارد و
موضوعی نیز
که در برخی
از ابواب این
دو کتاب به‌کار
رفته، کاملاً نظیر
یکدیگر است**

* منابع

۱. قرآن مجید، ترجمه محمدکاظم معزی، نشر اسوه، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۹.
۲. تقوی، محمد؛ حکایت‌های حیوانات در ادب فارسی، روزه، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۶.
۳. خطیبی، حسین؛ فن نثر در ادب فارسی، زوار، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶.
۴. شمیسا، سیروس؛ انواع ادبی، فردوس، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۳.
۵. غلامرضایی، محمد؛ شرح سسی قصیده ناصر خسرو، نشر جامی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۸۱.
۶. کلیله و دمنه، تصحیح مینوی، محتبی، امیرکبیر، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۷۳.
۷. مرزبان‌نامه، تصحیح خطیب رهبر، خلیل، صفی‌علیشاه، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۰.
۸. وزین‌پور، نادر؛ بر سمنند سخن، نشر فروغی، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۴.